

مجلس نهم: جوانمردی و فتوت

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۱

(به یاد قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام).

شب و روز تاسوعا، منتسب به حضرت عباس فرزند رشید امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ کسی که در فضل و کمال و فتوت و رادمردی، الگویی برجسته، و در اخلاص و استقامت و پایمردی، نمونه است. در هر خصلت نیک و صفت ارزشمندی، که کرامت یک انسان به آن بسته است، او سرمشق است. حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در قلّه رفیع ایمان، شجاعت و وفاست و نام او با وفا، ادب، ایثار و جانبازی همراه است و گذشتِ صدها سال، کمترین غباری بر سیمای فتوتی که در رفتار آن حضرت جلوه گر شد، ننشاند است. از این رو، تاسوعا بزرگداشت شهادت اسوه ایثار، ادب و دلاوری بزرگمردی است که با گذشت بیش از هزار و سیصد سال، هنوز تاریخ، از کرامت‌های روشن اوست. آن سردار فداکار با لبی تشنه و جگری سوخته، پا به فرات گذاشت، اما جوانمردی و وفایش نگذاشت که او سیراب باشد و امام و اهل بیت و کودکان تشنه کام باشند. لب تشنه از فرات بیرون آمد تا آب را به کودکان برساند. دستان کارگشایش در راه سقایی قلم گردد و پیکرش در مسیر ولایت قطعه قطعه شد. از این رو، می‌توان گفت عباس آموزگار بی‌بدیل فتوت و مردانگی در تاریخ گردیده است؛ مردانگی و فتوتی که از پدر به ارث برده بود.

اخلاق اسلامی و فتوت

فتوت واژه، عربی و مشتق از لغت «فتی» است که جمع آن فتیان است، این واژه به صورت‌های مختلف هشت بار در قرآن مجید به کار رفته است.^۲ «جوانمردی» که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳.

۲. سوره نسا، آیه ۲۵؛ سوره یوسف، آیات ۳۶ و ۶۲؛ سوره کهف، آیات ۱۰، ۱۳ و ۶۳ و سوره انبیاء، آیه ۶۰.

و مفهوم دقیق لغوی آن، دوره جوانی از حیث جسمانی است که لااقل دارای دو صفت سخاوت و شجاعت باشد.^۱ مردانگی و جوانمردی از خصلت‌های ارزشمندی است که انسان را به «اصول انسانی»، «شرافت»، «تعهد و پیمان» و «رعایت حال درماندگان» پای‌بند می‌سازد. کسی که به حق وفادار بماند و از پستی و ستم‌گریزان باشد، از ضعیفان پشتیبانی کند، از خیانت و نیرنگ دوری‌گزیند، به ظلم و حقارت و دنائت تن ندهد، اهل گذشت و ایثار و فداکاری باشد، «جوانمرد» است.

مجلسی می‌نویسد:

فتوت و مروّت یعنی انسانیت و آدمیت، و اگر صفت مردانگی و انسانیت در شخص باشد، سزاوار نام انسان است و انسان از جهت اینکه انسان است، باید مراعات صفت مروّت و مردانگی را بنماید و این لفظ از مرء (یعنی مرد) گرفته شده است. بنابراین مروّت از مهم‌ترین صفات کمال و ریشه و سرچشمه آنها است.

در مصباح‌اللغه گوید: «مروت ادب و حالت درونی و روحی است که انسان را به مراعات اخلاق پسندیده و عادت و روش نیک وامی‌دارد».

قریب به این معنا در فارسی، همان تعبیر «مردی» و «جوانمردی» است. آثار مروّت و فتوت عبارت است از: ۱. بذل و بخشش؛ ۲. خوش خلقی و خوش برخوردی؛ ۳. سودمند بودن به حال اجتماع؛ ۴. انجام کارهای بزرگ و مهم.^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا دِينَ إِلَّا بِمَرْوَةٍ»^۳ دین به جوانمردی وابسته است (ناجوانمرد دین ندارد).

نشان دیانت مروّت بود بهین رسم ایمان فتوت بود

نیاشد به دین رادمردی اگر چه از خیر بینی تو در آن دگر

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم، می‌فرمود: «جوانمردی و بخشندگی قسمتی از ریح

است». و این را به کسی که متاعی می‌فروخت، سفارش فرمود.^۴

۱. نمونه قرآنی آن اصحاب کهف می‌باشند: (إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدُّنَاهُمْ وَهُدًى، وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا) (سوره کهف، آیات ۱۳ و ۱۴).

۲. بحار الانوار (ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸)، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. نهج‌الفصاحه.

۴. من لا يحضره الفقيه، ترجمه غفاری، ج ۴، ص ۲۶۵.

همچنین فرمود:

فتوت و جوان مردی در چهار چیز است: تواضع نمودن با داشتن ثروت، عفو نمودن (از کسی که بدی نموده) با داشتن قدرت انتقام، نصیحت و راهنمایی نمودن با داشتن عداوت و دشمنی، و بذل و بخشش نمودن بدون منت گذاردن.^۱

و از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است:

وَسَّيْلَ عَنِ الْمُرُوءَةِ؟ فَقَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبِيُّ علیه السلام: شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِصْلَاحُهُ مَالَهُ، وَقِيَامُهُ بِالْحَقُوقِ؛^۲

از آن حضرت درباره مروت و جوانمردی سؤال شد، فرمود: جوانمرد کسی است که در نگه‌داری دین و عمل به آن تلاش نماید، به اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.

مرحوم صلوق در معانی الاخبار به سند مرفوع تا حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که راوی گفته: در موضوع فتوت در محضر حضرت صحبت کردیم، فرمود:

شما فکر می‌کنید که فتوت به معنای بی‌بند و باری و آزادی و فسق و فجور است؟ هرگز. فتوت و جوانمردی یعنی غذای آماده، و مال بذل و بخشش شده، و چهره باز و گشاده، و آزار و اذیت به مردم را باز داشتن.

سپس فرمود: مروت چیست؟

عرض کردیم: نمی‌دانیم.

فرمود: به خدا سوگند، مروت این است که مرد سفره خود را کنار در خانه بگذارد (به اصطلاح در خانه باز باشد).^۳

جوانمردی علی علیه السلام در آیات قرآن

بنابر روایت مذکور جوانمردی یکی از خصایص انسانی است و از این رو، بخشش و دفاع از مردم و حقوق الهی راز جوانمردی است. اما آنچه عیار جوانمردی را بالا می‌برد، از جان و مال و همه چیز مایه گذاشتن

۱. ارشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. تحف العقول، ص ۲۳۵، س ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۲، ح ۳.

۳. بحار الأنوار (ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۱)، ص ۳۸۴.

است و بر این اساس، آن کس که از مال، جان و هستی خود را راه احیای دین و ولی خدا بگذرد، در رتبه نخست جوانمردان عالم است؛ بنابراین امام علی علیه السلام نمونه کامل فتوت و جوانمردی، بلکه «منبع فتوت و معدن جود و مروت»، «قطب مدار فتوت» و «شاه مردان» است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

در روز قیامت، علی علیه السلام را با هفت نام صدا می‌زنند: یا صدیق، یا دال، یا عابد، یا هادی، یا مهدی، «یا فتی». یا علی ادخل انت و شیعتک الجنة بغير حساب.^۱

جوانمردی حضرت علی علیه السلام نه تنها در میان زمینیان شهره خاص و عام است، بلکه در میان آسمانیان نیز به این لقب مشهور است؛ به طوری که چندین آیه از قرآن کریم در وصف امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده که نشانه فتوت و جوانمردی آن حضرت است.

۱. بخشیدن افطار خود به اسیر، یتیم و مسکین: آن‌گاه که حسنین مریض شده بودند، امام علی علیه السلام و

حضرت زهرا علیها السلام سه روز نذر روزه کردند و پس از بهبودی آن دو دُرْدانه، به نذر عمل نمود، اما هنگام افطار فقیری در خانه را زد. آن بزرگواران تنها افطاری خود را بخشیدند و با آب افطار کردند و این ماجرا سه شب پیاپی تکرار شد:

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (*) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا.^۲

۲. صدقه در هنگام رکوع: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.^۳

۳. انتظار شهادت: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ

وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾.^۴

۴. به جای پیامبر خوابیدن: هنگامی که قریشی‌ها برای کشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجتماع کردند و آن

۱. ارشاد القلوب، ترجمه سلگی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲. سوره انسان، آیات ۸ و ۹.

۳. سوره مائده، آیه ۵۵.

۴. سوره احزاب، آیه ۲۳.

حضرت مأمور به هجرت شد، اما نمی‌خواست علنی از مکه بیرون برود و مایل بود که هر چه بیشتر در نهانی این کار صورت بگیرد تا بی‌گزند به طرف مقصود رهسپار شود. به همین جهت، علی علیه السلام را از مقصود خود باخبر کرد و به او فرمود که این ماجرا را پوشیده بدارد و بدون اطلاع یافتن کسی، به جای پیامبر بخوابد؛ به طوری که قریشی‌ها گمان کنند که مطابق معمول همه شب، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر خود به خواب رفته است.

امیر المؤمنین علیه السلام مانند همیشه، خواسته پیامبر را اجابت کرد و خود را در اختیار قضای خدا گذاشت که رویه هر بنده نیکوکاری است و جان را در راه فرمان‌برداری از جناب او فروخت، تا پیامبر بزرگوارش از مکر دشمنان و آسیب آنان محفوظ بماند. از این رو، در قرآن کریم آمده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۱.

در جنگ احد نیز امام علی علیه السلام چنان جوانمردی نشان داد که ندایی میان زمین و آسمان او را به جوانمردی ملقب ساخت. محمد بن مروان از عماره و او از عکرمة حدیث کند که گفت: شنیدم از علی علیه السلام که می‌فرمود: چون در روز احد مردمان از اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله پراکنده شدند، چنان برای آن حضرت بی‌تاب شدم که هرگز چنین حالتی به من دست نداده بود و از خود بی‌خود گشتم و پیش روی او شمشیر می‌زدم. پس برگشتم و او را ندیدم. با خود گفتم: پیامبر کسی نیست که فرار کند، در میان کشتگان هم که او را ندیدم. گمان کردم که به آسمان رفته است. پس غلاف شمشیر را شکستم و با خود گفتم: با این شمشیر برای دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر از مشرکان می‌کشم تا کشته شوم. حمله کردم و آنان از جلو شمشیر من می‌گریختند و راه را باز می‌کردند. ناگاه دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بیهوش به زمین افتاده است. بالای سر او آمدم. آن حضرت چشمان مبارک را گشود و به من نگاه کرد و فرمود: ای علی، مردم چه کردند؟ عرض کردم: ای رسول خدا، آنان کافر شدند و به دشمن پشت کردند و تو را واگذاشتند. پیامبر نگاه کرد و دید گروهی از لشکر دشمن به سوی او آیند. به من فرمود: ای علی، اینان را از من دور ساز. من بدان‌ها حمله کردم و از چپ و راست شمشیر زدم تا پشت به ما کردند و تار و مار شدند. پیامبر به من فرمود: یا علی، آیا مدح و ثنای خود را در آسمان نمی‌شنوی که فرشته‌ای که رضوانش نامند، فریاد می‌زند: «لَا سِيفَ إِلَّا ذُو

الفقار و لا فتی إلا علی؟ پس من از خوشحالی گریستم و خدای سبحان را بر این نعمت سپاسگزاری کردم.^۱

علامه حلی می‌نویسد:

ابو عمر زاهد به اسناد خود از ابن عباس می‌گوید: محمد مصطفی صلی الله علیه و آله یک روز که شادمان بود، فرمود: «منم آن جوانمرد، فرزند جوانمرد و برادر جوانمرد». این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که «من جوانمردم» - زیرا که جوانمرد عرب بود به اجماع؛ یعنی سرور همه آنها به شمار می‌آمد - و این سخن ایشان که «پسر جوانمردم»، اشاره دارد به ابراهیم خلیل در این آیه شریفه: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ»، و اینکه فرمود: «برادر جوانمردم»؛ یعنی برادر علی علیه السلام هستم و این همان مفهوم سخن جبرئیل است در روز بدر که خبر پیروزی را به آسمان برد؛ در حالی که از شادی فریاد می‌کرد: «لا سيف إلا ذو الفقار و لا فتى إلا علی».^۲

کس را چه زور و زهره که مدح علی کند	جبار در مناقب او گفته هل اتی
زور آزمای قلعه خبیر که بند او	در یکدیگر شکست به بازوی لا فتی
مردی که در مصاف زره پیش بسته بود	تا پیش دشمنان نکند پشت بر غذا
شیر خدا و صفدر میدان و بحر وجود	جان بخش در نماز و جهان سوز در وغا
دیبچه مروّت و دیوان معرفت	لشکرکش فتوت و سردار اتقیا
فردا که هر کسی به شفیعی ززند دست	ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

جلوه‌های جوانمردی عباس علیه السلام

یاران امام حسین علیه السلام زیباترین جلوه‌های جوانمردی و فتوت را در حماسه عاشورا از خود نشان دادند، چه با حمایتشان از حق، چه با جانبازی در رکاب امام تا شهادت، و چه در برخورد انسانی با دیگران، حتی دشمنان. اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز خود مظهر اعلاّی فتوت بود. کسی که در کربلا بیشترین فتوت و جوانمردی را نشان داد، عباس بن علی علیه السلام بود. جایگاه حضرت عباس نسبت به امام حسین علیه السلام همانند جایگاه حضرت علی علیه السلام نزد خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله است.

۱. ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۷۸.

۲. کشف‌الیقین، ترجمه آذیر، ص ۴۵۰.

تو گفתי کربلا دشت حنین است علی عباس و پیغمبر حسین است
همان رفتار جوانمردانه ای که امیرمؤمنان علیه السلام در برابر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دین الهی انجام داد،
عباس علیه السلام نیز در برابر امام حسین علیه السلام ظاهر گردید:
دییچه دفتر فتوت عباس سرحلقه ارباب مروّت عباس
بی دست گرفت مشک را بر دندان هر چند به تن نداشت قوت عباس
جوانمردی و فتوت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، نشانه‌های و جلوه‌های مختلفی داشت که به برخی از
آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بصیرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبْلَى بِلَاءً
حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا^۱

عمومی ما عباس دارای بصیرتی نافذ و ایمانی محکم بود. او در رکاب برادر بزرگوارش
اباعبدالله با دشمنان پیکار کرد و خویش را به بلای نیکویی افکند و به خوبی از عهده امتحان
الهی برآمد تا شربت شهادت را نوشید.

روزی حضرت امیر علیه السلام، عباس خردسال را در کنار خود نشاند، حضرت زینب هم حضور داشت. امام به
کودک عزیزش گفت: بگو یک. عباس گفت: یک. فرمود: بگو دو. عباس از گفتن خودداری کرد و گفت:
شرم می‌کنم با زبانی که خدا را به یگانگی خوانده‌ام، دو بگویم. حضرت علی علیه السلام از معرفت این فرزند
خشنود شد و پیشانی عباس را بوسید.

۲. ادب

عباس از مادر درس ادب آموخته بود. مادر عباس، فاطمه کلابیه، سراسر نجابت و پاکی و خلوص بود. در
آغاز ازدواج، وقتی وارد خانه علی علیه السلام شد، حسن و حسین بیمار بودند. او آنان را پرستاری کرد و ملاحظت
بسیار به آنان نشان داد. گویند: وقتی او را فاطمه صدا کردند، گفت: مرا فاطمه خطاب نکنید تا یاد غم‌های
مادرتان فاطمه زنده نشود، مرا خادم خود ام البنین بدانید.

۱. /بصار العین، ص ۳.

ابالفضل هیچ گاه امام حسین را برادر خطاب نکرد، بلکه آن حضرت را همواره با خطاب «یا سیدی»، «یا ابا عبدالله»، «یا بن رسول الله» صدا می‌کرد، مگر در یک جا، آنجا که فریاد زد: «أدرک أخاک».

۳. شجاعت

وقتی علی علیه السلام به فکر گرفتن همسر دیگری بود، گویی واقعه عاشورا را می‌دید. از این رو، برادرش عقیل را که آگاه به علم نسب‌شناسی و قیایل و تیره‌های گوناگون و خصلت‌ها و خصوصیت‌های اخلاقی و روحی آنان را خوب می‌شناخت، طلبید. آن حضرت از عقیل خواست که برای او همسری شایسته پیدا کند و از قبیله‌ای باشد که اجدادش از شجاعان و دلیر مردان باشند، تا چنین بانویی فرزندی شجاع، تک‌سوار و رشید برای او آورد.

نقل است وقتی حضرت عباس علیه السلام سوار بر اسب می‌شد، پاهایش به جهت قامت کشیده‌اش به زمین می‌رسید و چون پای در رکاب اسب می‌نهاد، زانوانش به گوش‌های اسب می‌رسید.

چهارده سال از عمر عباس در کنار علی علیه السلام گذشت؛ دورانی که علی علیه السلام با دشمنان درگیر بود. گفته‌اند عباس در سن حدود دوازده سالگی در برخی از آن جنگ‌های امیرالمؤمنین علیه السلام شرکت داشت. با وجود سن اندکش، جوانی رشید، پرشور، قهرمان، و حریف قهرمانان و جنگاوران بود، اما علی علیه السلام کمتر به او اجازه پیکار می‌داد.

در یکی از روزهای نبرد صفین، نوجوانی از سپاه علی علیه السلام بیرون آمد که نقاب بر چهره داشت و از حرکات او نشانه‌های شجاعت و هیبت و قدرت هویدا بود. از سپاه شام کسی جرئت نکرد به میدان آید. همه ترسان و نگران، شاهد صحنه بودند. معاویه یکی از مردان سپاه خود را به نام ابن شعثاء که دلاوری او برابر با هزاران نفر بود، صدا کرد و گفت: به جنگ این جوان برو. آن شخص گفت: ای امیر، مردم مرا با ده هزار نفر برابر می‌دانند، چگونه فرمان می‌دهی که به جنگ این نوجوان بروم؟ معاویه گفت: پس چه کنیم؟ ابن شعثاء گفت: من هفت پسر دارم، یکی از آنان را می‌فرستم تا او را بکشد. معاویه پیشنهاد او را پذیرفت. ابن شعثاء یکی از پسرانش را فرستاد، به دست این جوان کشته شد. فرزندان دیگر را نیز راهی مبارزه کرد که همه آنان یک به یک به نبرد این شیر سپاه علی علیه السلام رفتند و حضرت عباس همه را از دم تیغ گذراند. از این رو، خود ابن شعثاء به میدان آمد؛ در حالی که می‌گفت: ای جوان، همه پسرانم را کشتی، به خدا پدر و مادرت را به عزایت خواهم نشاندا! حمله کرد و نبرد آغاز شد و ضرباتی میان آنان رد و بدل گشت. سرانجام با یک ضربت کاری جوان، ابن شعثاء به خاک افتاد و به پسرانش پیوست. همه حاضران شگفت زده شدند. امیرالمؤمنین

سوار شجاع را نزد خود فراخواند و نقاب از چهره‌اش کنار زد و پیشانی او را بوسه زد. دیدند که او قمر بنی هاشم، عباس بن علی علیه السلام است.

۴. وفا

وفای عباس در بالاترین حد ممکن و زیباترین شکل تجلی کرد.

هفتم محرم بود. کاروان شهادت چند روزی بود که در سرزمین کربلا فرود آمده بود. سپاه کوفه بر نهر فرات تسلط داشت و آب را به روی حسین و یارانش بسته بود. این فرمان از کوفه رسیده بود. آنان می‌خواستند ناجوانمردانه با استفاده از اهرم فشار عطش، حسین را به تسلیم و سازش وادارند. حلقه محاصره فرات تنگ‌تر و کنترل شدیدتر شد و برداشتن آب از فرات دشوار گشت. در نتیجه، تشنگی و کم آبی در خیمه‌های امام حسین علیه السلام آشکار شد و عطش بر کودکان بیشترین تأثیر را داشت. چشم‌ها و دل‌ها در پی عباس رشید بود تا برای این مشکل چاره‌ای بیندیشد و آبی به خیمه‌ها برساند. حسین بن علی علیه السلام برادر رشیدش عباس را مأمور کرد تا مسئولیت تهیه آب را برای خیمه‌ها به عهده گیرد. او سقایی تشنه‌کامان را عهده دار شد.

ظهر عاشورا عباس دید که آنان در آستان هلاکت‌اند، با لبان خشکیده و چهره‌های رنگ پریده و چشمان بی فروغ. عباس زنده باشد و حال کودکان امام، این چنین؟ سوار بر اسب شد، مشکی به دوش انداخت و شمشیر بر گرفت و به سمت فرات تاخت و چنان حمله کرد که حلقه محاصره را از هم درید و خود را به آب رساند. مشک را پر از آب کرد، تا این مایه حیات و طراوت را به خیمه‌های بی آب و افسرده و لب‌های خشکیده برساند.

سینه‌اش از عطش می‌سوخت. آب سرد و گوارای فرات هم پیش چشمانش موج زنان می‌گذشت. دست عباس رفت تا کفی از آب بردارد و بنوشد، اما موج تند یک احساس انسانی، موجی از وفا، در ضمیرش جوشید. به یاد وصیت علی علیه السلام در شب شهادتش و به یاد لب‌های تشنه امام حسین و کودکان عطشان افتاد. بنوشد یا ننوشد؟ اینجا بود که صحنه آزمون وفا پیش آمد و عقل و عشق به جدال پرداختند:

عقل گفتش تشنه‌کامی، نوش کن	عشق گفتش بحر غیرت جوش کن
آب گفتش بر صفای من نگر	قلب گفتش در وفای من نگر
عاقبت گفتش کف آبی بنوش	عاطفت گفتش که چشم از وی بیوش
تشنگی گفتش تو را سازم هلاک	رستگی گفتش که از مردن چه باک؟

عباس وفادار چگونه از شط فرات آب گوارا بنوشد؛ در حالی که لب‌های حسین از تشنگی خشکیده است؟

هرگز! این رسم وفا به برادر نیست. به خود خطاب کرد: ای نفس، پس از حسین زنده نباشی! این حسین است که در آستانه مرگ و شهادت است و تو آب سرد می نوشی؟! به خدا سوگند، این هرگز رسم دین داری من نیست.^۱

شاعر عرب نیز در این باره چنین گوید:

احقّ النَّاسِ ان یبکی علیہ فتی ابکی الحسین بکربلاء
 اخوه و ابن والده علی ابو الفضل المضرّج بالدماء
 و من واساه لا یثنبه شیء و جادله علی عطش بماء^۲

۵. جانبازی

حضرت عباس علیه السلام لحظه‌ای در دفاع از مولای خود و اهل حرم کوتاه نیامد. در شب عاشورا قلب حسین علیه السلام را شاد کرد و در روز عاشورا علمدار لشکر حسین علیه السلام بود. مشک را بر دوش افکند و راه خیمه‌ها را در پیش گرفت، اما نگهبانان شطّ فرات، راه را بر او بستند. عباس چاره‌ای جز نبرد با آنان نداشت. جنگی سخت میان سقای کربلا و آن فرومایگان در گرفت. عباس بن علی علیه السلام گوشه‌ای از شجاعت خویش را نشان داد. هیچ کس به تنهایی جرئت رویارو شدن با او را نداشت. از این رو، به صورت گروهی بر او می‌تاختند تا در محاصره‌اش قرار دهند. او نمی‌خواست با آنان رسماً جنگ کند. هدفش آن بود که آب را سالم به خیمه‌ها برساند. از هر طرف، بر او حمله آوردند و عباس شمشیر می‌زد و راه می‌گشود و پیش می‌آمد. رجز می‌خواند و آنان را از دور و بر خود می‌پراکند. اما در این گیر و دار، تیغی که بر دست او فرود آمد، دست راست او را قطع کرد. با از دست دادن یک دست، بی آنکه روحیه مقاومتش را از دست بدهد، به نبرد ادامه می‌داد و این‌گونه رجز می‌خواند:

والله إن قطعتموا یمینی انی أحامی أبدأ عن دینی
 عن إمام صادق الیقین نجل النبی الطاهر الأمین

۱. اقتباس از: زندگانی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، یل ام البنین، جواد محدثی.

۲. سزاوارترین شخص برای گریه کردن بر او، جوانی است که مصیبتش حسین علیه السلام را در کربلا به گریه انداخت. او برادر حسین علیه السلام و فرزند پدرش علی علیه السلام یعنی ابوالفضل بود که پیکرش آغشته به خون شد؛ جوانی که برای حسین علیه السلام مواسات و ایشار کرد و هیچ چیز او را از برادری با حسین علیه السلام منصرف نساخت و وقتی که در شدت تشنگی کنار آب فرات آمد، چون حسین علیه السلام تشنه بود، آب نوشید.

یعنی «به خدا سوگند، اگر دست راستم را قطع کردید، من تا ابد از دین خود و از امام راستینی حمایت می‌کنم که یقینی صادق دارد و فرزند پیامبر پاک و امین است».

وقتی دست چپ آن حضرت را قطع کردند، آن شیر بیشه شجاعت این رجز را خواند:

یا نفس لا تخشی من الکفار و ابشری برحمة الجبار

مع النبی السید المختار قد قطعوا بیغیهم یساری

فاصلهم یا رب حر النار

یعنی «ای جان من، از کفار ترسان مباش! بشارت باد تو را برحمت خدا! تو با آن پیامبری هستی که بزرگ و برگزیده است. دشمنان به ظلم دست چپ مرا قطع کردند. پروردگارا، حرارت آتش دوزخ را به آنان برسان!».

ناگاه شخص ملعونی با عمود آهنین به آن حضرت زد و او به زمین افتاد.

ثُمَّ اقْتَطَعُوا الْعَبَّاسَ عَنْهُ، وَاَعْرَضُوا بِهٖ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ وَمَكَانٍ، حَتَّى قَتَلُوهُ (قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ)، فَبَكَى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ الْبُكَاءَ شَدِيداً.^۱

جمع بندی

یاران امام حسین علیه السلام زیباترین جلوه‌های جوانمردی و فتوت را در حماسه عاشورا از خود نشان دادند، چه با حمایتشان از حق، چه با جانبازی در رکاب امام تا شهادت، چه در برخورد انسانی با دیگران، حتی دشمنان. در مکتب عاشورا درس فتوت و جوانمردی حاکم بر تمام رفتارها است لذا این نحوه زیستن، نیاز انسان معاصر در عصر مادیت فرعونى و سودانگارى فردى است.